

■ A Rereading of the Interrelationship between Vernacular Architecture and the Architecture Arché

Elham Khodadadi, PhD (corresponding author)

PhD Candidate, Faculty of Architecture and Urban Planning, Art University of Isfahan

Mohammad Reza Rahimzadeh, PhD

Assistant Professor, Faculty of Architecture and Urban Planning, Tehran University of Art

Mehdi Mahmoudi Kamelabad, PhD

Assistant Professor, Faculty of Architecture, Tehran University of Art

Reading vernacular architecture to understand values in architecture involves a variety of perspectives. One of these approaches is to consider vernacular architecture as related to the beginning of architecture and there are two common readings of it. The first reading sees vernacular architecture as genotypes in the architectural evolution map as the primary component. The second reading considers it as a subject that has not undergone many changes since the beginning of the history of architecture. It is a reference, therefore, to go to in case there are questions or ambiguities. On the other hand, attempts have been made in architectural theory to find the beginning of architecture in theory, and the concept of the primitive hut coined for it. But the unavailable primitive hut cannot communicate with the beginning of architecture. Due to the necessity of objectifying the conceptual primitive hut, this article tries to show the possibility of a third alternative regarding the connection between the vernacular and the beginning, which is verified by the previous two views, but those views do not take it as far as taking the vernacular to the contemporary and future eras. To achieve this, a three-stage study is conducted. The first stage is an investigation of the relation between the vernacular and the beginning. The second stage is in the form of studying the concept of the beginning and its various aspects in the work of thinkers. The third stage is about investigating the adequacy of the primitive hut as an example for architecture's beginning. The next stage is about finding empirical representatives, in which vernacular architecture is surveyed as a source of inspiration for theorists about what the primitive hut is like. Finally, considering the features and potentials of the vernacular for this representation, it is argued that this alternative is theoretically and practically possible and

has positive consequences. Because of its relation to Arché, this notion of vernacular architecture can reveal the profound epistemological values of its study, research, and experience. Therefore, both areas can benefit from this relationship.

Keywords: Vernacular architecture, Arché, Primitive hut, Oigin of architecture.

بازخوانی ارتباط متقابل معماری بومی و سرآغاز معماری^۱

الهام خدادادی^۲

محمد رضا رحیم زاده^۳

استادیار، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر

مهدی محمودی کامل آباد^۴

استادیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان

دریافت: ۲۹ آبان ۱۴۰۰

پذیرش: ۲۰ بهمن ۱۴۰۰

(صفحه ۱۷-۵)

کلیدواژگان: معماری بومی، سرآغاز معماری، کلبه اولیه، آرخه.

چکیده

خوانش معماری بومی، در جهت فهم ارزش‌هایی در معماری، تنوعی از نگاه‌ها را در بر می‌گیرد. یکی از این رویکردها تلقی معماری بومی به‌مثابه عرصه‌ای است که با سرآغاز معماری نسبت دارد و دو قرائت رایج از آن طرح می‌شود. قرائت اول معماری بومی را ژنوتیپ‌هایی در نقشه تکامل معماری به‌مثابه قطعات ابتدایی می‌بیند. قرائت دوم معماری بومی را موضوعی تلقی می‌کند که از ابتدای تاریخ معماری دستخوش تغییرات زیادی نشده است. بنابراین در زمان سؤال یا ابهام درباره ادامه مسیر معماری، می‌توان به آن رجوع کرد. از طرف دیگر، همچنان به صورت موازی تلاش‌هایی در عرصه تئوری معماری انجام شده و مفهوم اعتباری کلبه اولیه برای آن وضع شده است؛ اما کلبه اولیه، به‌دلیل در دسترس نبودن، نمی‌تواند ارتباط با سرآغاز معماری را عملی کند. در این مقاله، به‌دلیل ضرورت عینی کردن مفهوم اعتباری کلبه اولیه، امکان‌پذیری این جانشینی نشان داده و با اتخاذ نگرش سوم به ارتباط معماری بومی با سرآغاز، رویکردی در پیش گرفته می‌شود که در دو نگرش پیش بر آن صحنه گذاشته شده است، اما در اینجا به جنبه‌هایی از آن بسنده می‌گردد که در آنها امتداد معماری بومی تا دوران معاصر و آینده را نادیده می‌انگارند. برای رسیدن به این هدف، از روش استدلال منطقی استفاده و چند گام پژوهش تعریف می‌شود.

در مرحله اول نسبت‌های معماری بومی با سرآغاز بررسی و ارزیابی می‌گردد، در مرحله دوم، در قالب مطالعه مفهوم سرآغاز، به کنکاش وجوه و مراتب سرآغاز در آثار اندیشمندان اختصاص دارد. مرحله سوم، بررسی کفایت کلبه اولیه به‌مثابه مصداق سرآغاز معماری از طریق بررسی علل پیدایش و ابعاد وجودی کلبه اولیه است. در مرحله بعد، به‌منظور یافتن نماینده‌ای تجربه‌پذیر، استعداد معماری بومی به‌منزله منبع الهام نظریه‌پردازان در توصیف کلبه اولیه بررسی می‌شود. سرانجام با برشمردن ویژگی‌ها و استعداد‌های معماری بومی برای این نمایندگی، استدلال می‌شود که این جانشینی به لحاظ حوزه‌های نظری و عملی امکان‌پذیر و دارای تبعات مثبتی است و می‌تواند ارزش‌های معرفت‌شناختی مطالعه، پژوهش، و تجربه آن را آشکار و ارزش‌های عمیق آن را روشن کند. بنابراین هر دو حوزه می‌توانند از موهبت‌های این تلاقی بهره‌مند شوند.

مقدمه

پژوهشگران علاقه‌مند به فهم معماری بومی با سه نگاه اصلی معماری بومی را بررسی کرده‌اند. نگاه نخست به دنبال حفظ آثار معماری بومی و ارج نهادن به کالبد و شکل زندگی مرتبط با آن،



۱. این مقاله برگرفته از پایان‌نامه دکتری نگارنده اول است تحت عنوان معماری بومی، مفاهیم و ارزش‌ها (رهیافتی به فهم معماری بومی به‌مثابه مصداق سرآغاز معماری) که با راهنمایی نویسندگان دوم و سوم در دانشگاه هنر اصفهان در بهمن‌ماه سال ۱۴۰۰ دفاع شده است.

۲. نویسنده مسئول، دکتری معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان

Khoda.elham.arch@gmail.com

com

3. rahimzadeh@art.ac.ir

4. m.mahmoudi@aui.ac.ir

به‌منزله نمونه‌ای از میراث فرهنگی، است، نگاه دوم راه‌هایی را می‌جوید که تداوم وجود این معماری را تضمین کند، و سومین نگاه به‌دنبال بهره‌گیری از آن به‌مثابهٔ محملی برای فهم ارزش‌هایی در معماری است. نگاه اخیر به معماری بومی با سه رویکرد تحقق پذیرفته که هر یک بر وجهی از آن تأکید می‌کنند:

ارتباط معماری بومی با سرآغاز (رویکرد سرآغازبنیاد)، رویکرد الگوبنیاد، و مدل‌بنیاد.

رویکرد نخست با تأکید بر ارتباط معماری بومی با سرآغاز، در جستجوی ارتباط معماری بومی با ریشه‌ها و صورت‌های اولیهٔ معماری است، نگاه الگوبنیاد می‌تواند به دنبال استفاده و بهره‌مندی از خصلت‌ها یا وجوه زیبایی‌شناسانه و صوری یا بهره‌گیری از منابع و فنون ساخت آن باشد. این رویکرد، ارجاعی تقلیدی به معماری بومی است که «عینیت» آن را واجد ارزش می‌داند. سومین رویکرد به‌دنبال فهم ویژگی‌ها و مفاهیمی از معماری بومی است که قابلیت انتقال به معماری معاصر و ترجمه به زبان آن را دارد.^۵

رجوع به معماری بومی برای کشف ارزش‌های آن رویکردی است که — فراتر از حفظ و نگهداری کالبدی — امکان «آموختن» از معماری بومی را فراهم می‌کند. یکی از مهم‌ترین زمینه‌های ارزشمندی معماری بومی ارتباط آن با «سرآغاز» معماری است. این نگاه که در تاریخ نظریهٔ معماری سابقه‌ای طولانی دارد، در کنار اینکه وجوهی از ارزشمندی را برای معماری بومی تصور و بیان کرده، قرائت آن را به تصاویری که حامل گذشتهٔ معماری است تنزل داده است یا با مبنا قرار دادن گرایش‌های روز در معماری (تبعیت فرم از عملکرد یا ارزش‌های معماری پایدار)، قرائت‌های دلخواه از معماری بومی عرضه داشته و آن را به شاهی برای ارزش‌های مطرح در شرایط روز جامعه تبدیل کرده است. در این شرایط معماری بومی واجد ارزش‌هایی است که شناختن آن ارزش‌ها نه‌تنها پشتوانه‌ای برای آموختن از این معماری را فراهم می‌کند؛ بلکه دلایل حفظ و نگهداری از آن را توضیح می‌دهد. اما برای این موضوع لازم است پایگاه تئوری قوی‌ای تأسیس گردد، تا با شناساندن ارزش‌های پیدا و پنهان معماری بومی، راه برای حضور و تداوم آن تسهیل شود.

ارتباط معماری بومی با سرآغاز می‌تواند رویکردهای دیگر به معماری بومی را به عمق و جایگاه شایستهٔ این معماری برساند. توجه به سرآغاز معماری

پرسش‌های تحقیق

پرسش اصلی:

– بازخوانی ارتباط معماری بومی با سرآغاز معماری مبین چه ارزش‌هایی از معماری بومی است؟

پرسش‌های فرعی:

۱. سرآغاز معماری در آثار متفکران چگونه بازتاب یافته است؟

۲. معماری بومی چه ظرفیت‌هایی برای ارتباط با مبدأ معماری دارد؟

۵. مسعود ناری قمی و سجاد دامیار، «رویکردها به معماری بومی در نظریه‌پردازی مدرن معماری»، ص ۸۱–

اول به دنبال نشان دادن معماری بومی به منزله یک هسته اولیه برای معماری با ژن‌ها و ژنوتیپ‌های^{۱۰} کمتر دست‌کاری شده است. نگاه‌های وام‌گرفته از زیست‌شناسی و پیشرفت آن معماران را برای یافتن گونه‌های نخستین و صورت‌های اولیه تشویق کرده است و آن صورت‌ها را نقاطی در نقشه راه تکامل معماری تلقی می‌کند. همچنین مدرسه موراتوری با تلاش در خوانش صحیح آثار معماری به گونه‌شناسی انواع معماری می‌پردازد و حل بحران معماری را در خوانش صحیح گذشته می‌بیند. رویکرد این مدرسه، به دنبال ریشه یک گونه، انواعی از بناها را معرفی می‌کند^{۱۱}. این نگاه‌های مبدأشناسانه معماری بومی را شبیه یک فسیل، گونه اولیه، یا قطعه آغازین در فرایند رشد معماری می‌بیند و در ضمن اینکه به آن گونه‌ها شأن و اهمیت آغازین را می‌بخشد، راه را برای امتداد آن به حیطه معاصر می‌بندد. نگاه دوم ارجاع به معماری بومی به مثابه نمونه نخستین و اصیل است. زمانی که معماران یا نظریه‌پردازان نیازی به تغییر در معماری روز احساس می‌کنند، یکی از راه‌های امکان‌پذیر بازگشت به مبدأ و بازخوانی اندیشه‌های آن است. در نگاه دوم معماری بومی نقطه‌ای دست‌نخورده، و جایی برای مشاهده ارزش‌های معماری و نقطه‌ای برای اصلاح آن و مبنایی برای سنجش صحت ایده‌های جدید در معماری محسوب می‌شود.

از زمان ظهور مدرنیسم، نگاه دوم به ارتباط معماری بومی با سرآغاز با علاقه بیشتری دنبال می‌شود. ابتدا نویسندگان معماری در جستجوی رابطه بین فرم و عملکرد، نگاه تحسین‌آمیزی به ساختمان‌های سنتی و بومی داشتند. این ساختمان‌ها به علت سادگی خود ستایش می‌شد و مهر تأییدی بر عملکردگرایی در دوران مدرن به حساب می‌آمد. یکی از مهم‌ترین توجهات به این معماری را پاکانو در سال ۱۹۳۶ در جشنواره میلان دارد که نمایشگاه بزرگی درباره آثار معماری خودجوش (معماری روستایی، معماری صیادان، و ...) برپا می‌کند.^{۱۲} پاکانو معماری

زمان ویتروویوس بوده و الگوهایی از آنچه ممکن است در سرآغاز معماری وجود داشته باشد، تحت نام «کلبه اولیه» ساخته شده است. در این مقاله تلاش می‌شود تا با روشن کردن مفهوم سرآغاز، قابلیت معماری بومی به منزله مصداق سرآغاز نشان داده شود. بنابراین در این مقاله ابتدا نگاه‌هایی که معماری بومی را در ارتباط با سرآغاز معماری تلقی می‌کنند، بررسی و نقد می‌شوند. در گام بعدی، در جستجوی مفهوم دقیق‌تری از «سرآغاز معماری»، این مفهوم در آثار فیلسوفان و نظریه‌پردازان بررسی می‌شود. سپس، با توضیح و نقد مصادیقی که از سرآغاز معماری عرضه شده است، معماری بومی مجدداً به مثابه عرصه‌ای برای تجسم بخشیدن به سرآغاز معماری طرح می‌گردد و ارزشمندی این نگاه به لحاظ مفهومی و کاربردی برای معماری بومی و سرآغاز معماری تشریح می‌شود.

۱. پیشینه تحقیق و روش آن

۱.۱. پیشینه تحقیق

یکی از نگرش‌ها به معماری بومی بر مبنای ارتباط آن با سرآغاز معماری شکل گرفته است. در این نگاه زندگی و معماری بومی سرآغاز تجربه زیست و سکونت انسان و نقطه آغازی برای فهم آثار معماری محسوب می‌شود.^{۱۳} نگاه سرآغازبنیاد، که قرائتی متواتر در تاریخ توجه به معماری بومی است، با اصطلاحی نظیر بدوی^{۱۴} برای توصیف معماری بومی همراه بوده است. برنارد رودوفسکی^{۱۵} در نمایشگاه و کتاب معماری بدون معمار در سال ۱۹۶۴ از این اصطلاح استفاده کرد. او ادعا کرد که «این فقط کتاب عکس‌های زیبا نیست، بلکه نشانگر نقطه عزیمتی برای بررسی تعصبات معماری ما است»^{۱۶}. بنابراین نگاه یادشده را باید با اصطلاحاتی شناخت که آن را با کلماتی نظیر اولیه یا بدوی توصیف کرده‌اند.

در پس نگاه‌هایی که معماری بومی را با سرآغاز مرتبط می‌دانند، دو نگرش و ایده محوری به چشم می‌خورد. نگاه

۶. همان، ص ۸۱.

7. primitive

8. Bernard Rudofsky

9. J. Odgers, et al, Primitive: Original Matters in Architecture, p. 7.

۱۰. ژنوتیپ اطلاعاتی است که در ژنوم هریک از سلول‌های موجودات زنده به صورت «دی‌ان‌ای» وجود دارد. این اطلاعات بر روی کروموزوم‌های داخل هسته قرار گرفته‌اند. به‌طورکلی به چینی همه ژن‌های یک فرد بر روی همه کروموزوم‌های آن فرد ژنوتیپ می‌گویند.

۱۱. غلامحسین معماریان، سیری در مبانی نظری معماری، ص ۱۶۵-۱۷۳.

۱۲. آدریانو آلپاگونولو، معماری بومی، ص ۲۴.

نماینده‌گی و مواهب این اتصال بهتر روشن گردد.

۲.۱. روش تحقیق

تحقیق حاضر از نوع تحقیق‌های نظری محسوب می‌شود و محققان می‌کوشند، با توجه به پتانسیل معماری بومی برای بازنمایی سرآغاز معماری، معنای عمیق سرآغاز و مواهب ارتباط معماری بومی با مبدأ معماری را توضیح دهند.

رویکرد این پژوهش کیفی است و برای تحلیل نسبت معماری بومی و سرآغاز از روش استدلال منطقی بهره گرفته می‌شود. هدف از این روش نظم‌بخشی به سامانه‌های منطقی-ذهنی است که می‌توانند ارتباط‌های ناشناخته عوامل اولیه را آشکار کنند.^{۱۶} بدین منظور چند گام تعریف می‌شود. در مرحله اول ضمن نشان دادن تلاش نظریه‌پردازها برای ارتباط بین معماری و سرآغاز، به کاستی‌های دیدگاه‌هایشان پرداخته می‌شود. پس از آن، از طریق بازخوانی مفهوم سرآغاز در آثار اندیشمندان و فیلسوفان، به وجوه و مراتب آرخه^{۱۷} پرداخته می‌شود. این کار مرحله‌ای مهم و ضروری برای فهم سرآغاز و تلقی‌های ممکن از آن است. در این مرحله دو معنای مهم از سرآغاز به دست می‌آید که می‌توانند به نمایندگی از این مفهوم روش‌های انتخاب مصداقی را مشخص کنند. در مرحله بعد، کلبه اولیه که در نظریه‌ها مصداق مفهوم سرآغاز معرفی شده بررسی می‌شود. انواع گمانه‌زنی‌ها و تنوع شکل‌های متصور برای کلبه اولیه و دلایل شکل‌گیری این تصورات مورد بررسی است. سپس با کنکاش در کفایت کلبه اولیه در پاسخ‌گویی به علت‌های ابداع این مفهوم، کاستی‌های آن احصا می‌شود. در مرحله سوم، به منظور یافتن نماینده‌های تجربه‌پذیر در عقاید نظریه‌پردازان در خصوص کلبه اولیه، ردپایی از معماری بومی به مثابه منبع الهام آنها دیده می‌شود. بنابراین، با بررسی معماری بومی به لحاظ تئوری، امکان‌پذیری اینکه کلبه اولیه مصداق سرآغاز معماری باشد، بررسی می‌شود.

روستایی را الگویی برای پیروان مکتب عملکردگرایی می‌شناسد که می‌تواند به رهایی معماران از انحرافات آکادمیک کمک کند. به نظر وی، این معماری به فروتنی ذاتی خود می‌بالد و این را پایه مکتب عملکردگرایی می‌داند.^{۱۳}

پس از استفاده از این معماری برای توجیه سبک‌های خردگرایانه، به این معماری برای نقد این رویکرد توجه شد. سال‌های پس از ۱۹۶۰ برای تجلی هویت در معماری، رجوع مجدد به تاریخ و فرهنگ بومی مهم تلقی گردید.^{۱۴} در واقع ابتدا عملکرد ساختمان‌های بومی و پس از آن اصالت و هویت آن و در دوره بعد با افزایش علائق به معماری پایدار، معماری بومی چونان الگوی خوبی در توجه به شرایط زمین و بهره‌گیری از مصالح در دسترس تلقی می‌شد. یک مرحله دیگر توجه به این معماری را راپاپورت و پل لیور با اشاره به آداب و رسوم اجتماعی و برخوردهای انسان‌شناسانه داشتند. این نویسندگان نگاه‌های عملکردگرایانه صرف به این معماری را تغییر دادند؛ از نظر آنها معماری‌های بومی صرفاً نمونه‌هایی از اصول مدرنیستی نیستند که «از فرمی که عملکردی را دنبال می‌کند» پدید آمده باشند؛ بلکه نماینده روابط اجتماعی و فرهنگی و منعکس‌کننده فضا هستند.^{۱۵}

از آن زمان تا امروز، تنوعی از دیدگاه‌ها و رویکردها برای فهم و مشاهده معماری بومی ایجاد شده است که بیشتر تحت تأثیر نگاه‌های روز در معماری است و به همین منوال هم در سال‌های اخیر، محققان بیشتر در صدد انطباق ویژگی‌های معماری بومی با معیارهای غیروبومی بوده‌اند. این نگاه‌ها معماری بومی را مصداقی برای قابل قبول کردن ارزش‌ها و تئوری‌های روز معماری قلمداد کرده‌اند. زایایی این نگاه‌ها با تردید روبه‌روست؛ زیرا مروج نگاه‌های سلیقه‌ای و تحمیلی به آن است. از این رو لازم به نظر می‌رسد مفهوم سرآغاز و نحوه نگرش آن در معماری بررسی شود تا از طریق نمایان شدن وجوه مختلف مفهوم سرآغاز، توانایی معماری بومی برای این

۱۳. پاکانو در توصیف این معماری می‌نویسد: «این نمونه‌ها را برای یادآوری حسرت‌آمیز و احساساتی فرهنگ قومی به نمایش گذاشته‌ام. این معماری مالا مال از زیبایی‌های فروتن و ناشناس است» (همان).

۱۴. ناهید صادق‌پوی، «تاریخچه و علل گرایش به معماری بومی در غرب، کشورهای اسلامی و ایران»، ص ۱۴.

15. R. Brown & D. Maudlin, "Concepts of Vernacular Architecture", p. 341.

۱۶. مریم غروی خوانساری، «جستاری در چگونگی آموزش تاریخ معماری از رهگذر توجه به "تفکر تاریخی"»، ص ۲۰.

17. Arché

۲. مفهوم فلسفی سرآغاز

بنیاد هر چیز همان سرآغاز یا مبدأ آن است. ارسطو مبدأ را جایی می‌داند که از آنجا هر چیزی به زیباترین نحو می‌تواند به وجود آید. این سرآغاز که به نام آرچه شناخته می‌شود^{۱۸}، مستلزم امری دوتایی است. دوتایی «محرک و متحرک» و «حضور و حاضر». یک امر دوگانه که یکی علت و دومی پدید آمده است؛ یکی امر حاضر که آشکار است و یکی امر نا حاضر که به تاریکی رفته است. اما راه شناخت آن علت و امر نا حاضر از طریق بررسی چیزی است که آشکار شده است؛ با وجود اینکه توسط آن چیزی که از ناپوشیدگی درآمده درک می‌شود، اما بسیار اساسی‌تر از آن چیزهایی است که می‌تواند با حواس ادراک گردند^{۱۹}.

درعین حال برداشتی دیگر از مفهوم آرچه نیز تحت عنوان «ابتدای زمان» میسر است. اما نگاه به آغاز زمان نیز یک نگاه کاملاً تاریخی نیست، بلکه آغاز زمان پس از شروع حرکت، در پشت سر باقی نمی‌ماند و به مثابه یک نیروی نیروبخش، خود را در کل پراکنده می‌کند.^{۲۰} بنابراین آرچه را در معنای «سرآغاز زمان» نباید همچون امری «سپری شده» دانست و باید توجه کرد که آرچه مفهوم یک آغاز همیشه حاضر است و صرفاً یک پدیده تجربی و تاریخی که در روزگاری روی داده و تمام شده نیست. خاستگاه یا سرآغاز محصور در گذشته نیست، آرچه آن چیزی است که می‌توانست یا می‌بایست بوده باشد و شاید روزی باشد؛^{۲۱} یعنی آن شرایطی که هر آغازی را ممکن ساخته است. به همین دلیل، مفهوم سرآغاز نه تنها در فلسفه یک مفهوم کلیدی محسوب می‌شود، بلکه تلاش بر فهم آن با یافتن نمونه‌هایی که آن را بهتر بازتاب می‌دهند همراه است. گرایش به سرآغاز و مصادیق اولیه آن در حوزه‌های متنوع بازتاب و جلوه زیادی داشته است، اما یافتن مصادیقی که سرآغاز را بازتاب دهد باید هر دو معنا و مفهوم را در خود بگنجانند. این مصادیق می‌تواند در ضمن آنکه صورتی را که به گذشته آن

موضوع و جلوه ابتدای زمانی آن نزدیک است را نشان دهد، آن نیروها و علت‌هایی را که آن موضوع به دلیل آن‌ها به وجود آمده است را نیز در خود بازتاب دهد. در این صورت مصادیق سرآغاز ابعاد تاریخی و غیر تاریخی آن را نمایندگی می‌کند.

۲.۱. تجسم سرآغاز معماری در نظریه‌ها

در نظریه پردازی‌ها، هدف از جستجوی سرآغاز معماری از تنوع بسیاری برخوردار است، اما توجه همواره به این مفهوم خبر از آگاهی معماران به مفید بودن این پرسش در برطرف کردن ضعف‌های معماری معاصر می‌دهد. ارتباط با سرآغاز نقش مهمی در جلوگیری از بی‌بنیادی معماری دارد و معماری تا آنجا که به سرآغاز خود اتصال دارد، فرصت بقا می‌یابد. همچنین آرچه می‌تواند راه را برای تفکر درباره آینده معماری بگشاید و معماری، از راه این اتصال، بنیان‌ها و ریشه‌های خود را بازیابی و رویه‌های متداول را اصلاح کند.

جستجوی سرآغاز معماری با گمانه‌زنی‌ها، شواهد، و نشانه‌های آشکار باستان‌شناسی همراه بوده و نظریه‌پردازان آن را با تصاویری تحت عنوان کلبه اولیه توصیف کرده‌اند. توجه به کلبه اولیه، که پیشینه آن به دوران ویتروویوس می‌رسد، در دوره مدرن به اوج خود رسید. از قرن هجدهم تاکنون جریانی پیوسته از چنین توجهی نظریه معماری را فرا گرفته است که می‌توان آن را حاکی از وجود و تداوم بحرانی نظری در عقاید نظریه‌پردازهای معماری دانست. سیر یادشده در این مدت، در ظاهر با طرح سؤالاتی گوناگون همراه بوده است که در باطن این سؤالات می‌توان پرسش از ریشه‌های معماری را یافت: به چه سبکی باید پردازیم؟ آیا سبکی برتر از سبک دیگر است؟ آیا کلیسای جامع گوتیک الگویی بهتر از معبد یونان به ما می‌دهد؟ این پرسش‌ها، به‌ویژه در قرن نوزدهم، معماران بسیاری را درگیر کرد.^{۲۲} بنابراین توجهات بسیاری به سوی یافتن مصادیق یا مصادیقی از سرآغاز معماری معطوف شد و تحت عنوان

۱۸. قاسم پورحسن و مهرداد احمدی، «تفسیر هایدگر از آرچه، بهره‌مندی و زمان نزد آناکسیمندروس»، ص ۸۴. ۱۹. همان، ص ۹۲.

۲۰. عباس جمالی، حمیدرضا محبوبی آرانسی، «توانش به مثابه روش؛ تأملی در باب روش شناسی فلسفی جورجو آگامبن»، ص ۴۳.

22. K. Harries, *Tales of the Origin of Building, Philosophy of Architecture*, p. 79.

الزامات اساسی معماری را زیر سؤال برد و رویکردها نسبت به معماری را تغییر داد. در طول قرن هجدهم و نوزدهم، کلبه اولیه، به مثابه یک تمثیل و برای یافتن یک آغاز کالبدی معماری استفاده شد. این رویکرد فیلسوفان معماری و نظریه پردازان یک روشنگری در جستجوی ریشه‌های معماری و تلاشی برای جستجوی ابدی زیبایی‌شناسی محسوب می‌شد.^{۳۱}

ارجاع به زندگی بدوی در جنبش مدرن نیز خود را نشان می‌دهد. در حرکت به سمت مدرنیسم، سمپر^{۳۲} در کتاب معروف خود *دستیل*^{۳۳} به سرآغاز معماری می‌پردازد. اما در کتاب او ارجاع به عوامل و فعالیت‌های انسانی‌ای است که فرم‌ها را پدید می‌آورند. در دوران پست‌مدرن نیز ارجاع به شکل‌های نخستین سکونت وجود دارد و آن راهی برای فاصله گرفتن از معماری مدرن محسوب می‌شد. پدیدارشناسان در این دوران نگاه اصالت‌جویانه به معماری آغازین داشتند.^{۳۴} در قرن بیستم نگاه یونگ به ناخودآگاه جمعی، تلاش برای یافتن صورت‌های اولیه را معنا بخشید و خود یونگ نیز با ساخت یک کلبه به تجربیاتی از این قبیل دست زد.^{۳۵}

۲.۲. کلبه اولیه مصداق سرآغاز معماری

در دیدگاه تاریخی جستجوی دستاوردهای انسان در ابتدای زمان به صورت موازی در مطالعات باستان‌شناسی و علمی و باورهای اساطیری و مذهبی وجود دارد. در برخی از دیدگاه‌های مذهبی و اساطیری سرآغاز معماری به تجربیات نخستین انسان در هبوط بر زمین یا ساخت نخستین بنای مقدس و ... نسبت داده شده و با پیامبران مرتبط است. در ادیان ابراهیمی ساخت اولین نمونه‌های معماری به پیامبران نسبت داده می‌شود.^{۳۶} رایکورت در *خانه آدم در بهشت*^{۳۷}، کلبه اولیه را در بهشت توصیف می‌کند، فیلارتی آدم^(e) را نخستین مخترع مسکن و اولین ریشه‌های سکونت را ناشی از ضرورت بقا می‌داند.^{۳۸} نگاه دیگر به آغاز معماری با اندیشه ویتروویوس در تاریخ

همان کلبه اولیه در تاریخ تئوری‌پردازی معماری معرفی شد. کلبه اولیه که گفته شد با ویتروویوس از دوران باستان آغاز می‌شود، تا مکاتب خردگرایانه ادامه می‌یابد. ویتروویوس آتش را یکی از عناصر تعیین‌کننده در ساخت اجتماعات بشری و به دنبال آن ساخت سرپناه‌ها و کلبه‌های اولیه می‌داند. در ده کتاب معماری^{۳۳} کشف آتش و تجمع مردان باستان در اطراف آن و توانایی انسان برای استفاده از دستان و نیروی عقل و استدلال عامل پیشرفت سرپناه تلقی می‌شود. این پیشرفت چنان بود که به انسان کمک کرد تا از بربریت به تمدن برود.^{۳۴} پس از ویتروویوس، در قرن پانزدهم، فیلارتی^{۳۵}، که مسیحی باایمانی بود، ساخت اولین سکونتگاه را به حضرت آدم نسبت داد.^{۳۶}

پس از آن در دوران روشنگری، مارک-آنتوان لوژیبه (۱۷۱۳-۱۷۶۹)^{۳۷} و ژان نیکلاس-لوئیس دوراند^{۳۸} تصاویر خود از معماری ایدئال و زیبایی واقعی را از استعاره کلبه بدوی ساختند. در سال ۱۷۵۳، لوژیبه نخستین رساله خود را با عنوان *مقاله‌ای درباره معماری*^{۳۹} منتشر کرد. در این کتاب داستان یک مرد بدوی در مکانی شبانی را تعریف می‌کند. این فرد می‌خواهد تنها با غرایز طبیعی خود جایی برای سکونت بیابد. سبزه‌زار و غار برای تأمین آسایش و حفاظت انسان کافی نیست؛ بنابراین، او چهار شاخه مستحکم می‌یابد و با قراردادن چهار قطعه افقی، سقفی پوشیده از گل و برگ می‌سازد. این نحوه شکل‌گیری یک پناهگاه است. لوژیبه می‌گوید:

"کابین کوچک" که من توضیح داده‌ام، الگویی است که همه شکوه معماری در آن تصور شده است. در این ترکیب چهار شاخه به منزله ستون قرار دارد و سقف تداعی سنتوری است. بر طبق منطق داستان، "زیبایی" فقط از این عوامل تشکیل می‌شود.^{۴۰} در آن زمان، معماری در فرانسه عمدتاً با سبک باروک و تزئینات بیش از حد و نمادهای مذهبی تعریف می‌شد. لوژیبه در آن کتاب در جستجوی کشف اصول ابتدایی معماری بود. این دیدگاه

23. *De Architectura*

۲۴. نک:

E. Küreli, "Laugier vs Durand: Revisiting Primitive Hut in the Classical Architectural Discourse", 25. *Filarete*

۲۶. نک:

L. Bleijenberg, *Origin Myths in Renaissance Vitruvius Editions*.
27. Marc-Antoine Laugier
28. Jean-Nicolas-Louis Durand
29. *An Essay on Architecture*
30. Küreli, *ibid.* p. 113.
31. *Ibid.* p. 119.
32. Gottfried Semper
33. *Der Stil*

۳۴. ناری قمی و دامیار، همان، ص ۸۳
35. Carl Jung, *Memories, Dreams, Reflections*, pp. 223-224.

۳۶. خانمحمدی، «فتوت‌نامه بتابان»، ص ۱۴.

37. Joseph Rykwert, *On Adam's House in Paradise: The Idea of the Primitive Hut in Architectural History*.
38. M.R. Tavernor, *Body and Building: Essays on the Changing Relation of Body and Architecture*, p. 19.

در نمایندگی هم‌زمان یک معبد یونانی و یک کلبه بدوی است. آثار معماری ما را به اصل یا گوهر، به آرخه ساختمان، می‌رسانند و این یعنی آثار معماری ما را به اصل سکونت فرامی‌خوانند.^{۴۳} رایکورت در کتاب *خانه آدم* در بهشت به ایده منشأ معماری پرداخته است. در ابتدا توضیح می‌دهد که ایده منشأ معماری برخی از برجسته‌ترین معماران قرن بیستم را به این سمت سوق داده است و سپس این ایده را در طی قرن‌ها تا دوران باستان ردیابی می‌کند.^{۴۳} با آشکار کردن اینکه کلبه اولیه هنوز هم اعتبار دارد،^{۴۴} نشان می‌دهد که چگونه انسان در طی اعصار برای ادامه حیات و امتداد وجود خود به حالت «معصومیت آغازین» یا «اولیه» بازگشت می‌کند و این کار برای انسان معاصر نیز معنادار است. درواقع کلبه اولیه یادآور کمال گم‌شده‌ای است که شرایط اصلی و اورجینال معماری را می‌ساخته است. بنابراین از منظر رایکورت، کلبه اولیه چیزی گم‌شده یا مدفون در خاطرات انسان‌ها نیست، بلکه جستجوی امری مهم است که نمی‌توان از دست داد.^{۴۵} کلبه‌ها دارای «ارزش تغییرناپذیری و اهمیت دائمی» هستند. بنابراین کلبه بدوی — خانه نخستین انسان — تنها دغدغه نظریه‌پردازان نیست، بلکه مبین معنای اصلی همه ساختمان‌ها برای مردم است.^{۴۶} به همین دلیل یافتن آن برای همه انسان‌ها ارزشمند است.

باشلار اهمیت کار رایکورت را در احیای مفهوم کلبه می‌داند و بر بازخوانی جهانی آن با عنوان «یادآوری معنای اصلی همه ساختمان‌ها برای مردم» تأکید می‌کند.^{۴۷} در تکمیل دیدگاه رایکورت، باشلار به دنبال چیزی بنیادی‌تر از دلتنگی برای مبدأ گم‌شده بازیابی‌نشده‌ی و در جستجوی تصاویری است که ما را به خانه‌هایی که در آن اطمینان از وجود انسان متمرکز شده است، که در آنها می‌توانیم زندگی جدیدی را آغاز کنیم، برمی‌گردانند.^{۴۸}

مسئله مهم حضور پی در پی مباحث مرتبط با کلبه اولیه در تئوری معماری است. معماری کلبه اولیه، در جایگاه موضوعی

معماری دیده می‌شود. در این نگاه، نظریه‌پردازان با تصور انسان در حالت اولیه به تجسم اولین سکونت‌گاه‌ها پرداختند. این تصور در اندیشه ویتروویوس با دیدگاه‌های اساطیری نیز آمیخته است. با اینکه نگاه وی یک نگاه مذهبی رایج حساب نمی‌شود، اما او در وهله اول، هنگامی که می‌خواهد تمایز انسان و حیوان را بیان کند، بین ویژگی‌های متنوعی نظیر مهارت کار با دست و توانایی تقلید و یادگیری به عامل مهم دیگری اشاره می‌کند که ایستاده بودن انسان است. هریس در خصوص نگاه ویتروویوس معتقد است:

از نظر وی انسان‌ها قائم هستند و به شکوه آسمان پرستاره خیره می‌شوند. انسان حیوانی است که به آسمان نگاه می‌کند. این نگاه به آسمان، با بنیان و سرآغاز، پیوند می‌خورد. بدین شکل، منشأ کلبه آغازین با نگاه به آسمان و مشاهده نظم دسترس‌ناپذیر آن، به عوامل غیرمادی پیوند می‌خورد.^{۴۹}

در کنار نگاه تاریخی-اساطیری به سرآغاز، نگاهی فراتاریخی به آرخه معماری به عنوان نیرویی که در هر بار رخداد معماری منجر به آفرینش بنا می‌شود نیز حضور دارد. ارزشمندی فهم سرآغاز معماری در آثار لویی کان خود را نشان می‌دهد از نظر وی برای ذهن خوب است که به سرآغاز بازگردد؛ زیرا

آغاز هر فعالیت ریشه‌دار انسان هیجان‌انگیزترین لحظه آن است. در نتیجه همه روح و تدبیر آن درونش نهفته است، و می‌تواند منبع الهام باشد و به طراحی و ساخت معماری غنا ببخشد.^{۴۰} او سرآغاز را مانند بذری می‌داند که می‌تواند ادامه خود و انشعابات خود را نشان دهد.^{۴۱}

لوژیه نیز با اهمیت قائل شدن برای سرآغاز معماری، می‌پرسد معماری باید از چه چیزی صحبت کند؟ و پیشنهاد می‌کند که باید ما را به آرخه ساختمان یادآوری کند. از نظر وی هر کار معماری یک ساختمان نیز هست. اما آنچه معماری را فراتر از یک ساختمان صرف بالا می‌برد، توانایی یک ساختمان

39. Harries, *ibid*, p. 82.

۴۰. نک: افرا غریب‌پور، «مفهوم عملکرد» در اندیشه لویی کان.

۴۱. رابرت تومبلی، *لویی کان متون اصلی*، ص ۵۲.

42. *ibid*, p. 88.

43. Tavernor, *ibid*.

۴۴. نک:

G. Germann, "Review of *On Adam's House in Paradise; The Idea of the Primitive Hut in Architectural History*, by J. Rykwert".

۴۵. نک:

Rykwert, *ibid*.

46. Rykwert, *ibid*, p. 191

۴۷. نک:

G. Bachelard, *The Poetics of Space*.

48. A. Cline, *A Hut of One's Own: Life Outside the Circle of Architecture*, p. xiii.

شروع می‌کند و سپس ادامه می‌دهد که اگر به اسپانیا یا پرتغال بروید، می‌توانید ساختمان‌هایی درست مانند این ساختمان‌های اصلی اسطوره‌ای پیدا کنید و نتیجه می‌گیرد: «ساختمان‌های باستانی مشابه بوده‌اند. این الگویی است که نویسندگان معماری بارها و بارها از آن پیروی کرده‌اند»^{۴۹}. کلبهٔ اولیه در جایی نیست، یا شاید دقیق‌تر همه جا هست. با این حال، پذیرفتن این ویژگی قابل اختصاصی‌سازی نیست و مکان‌پذیری از «کلبهٔ اولیه» دشوار است. بنابراین معماران اصرار دارند که نمونه‌های واقعی ساخته‌شده را شکار کنند^{۵۰}. از همین رو لوژیبه کلبهٔ اولیه را به‌منزلهٔ بالاترین فضیلتی که معماری باید به آن دست یابد، در یک آزمایش فکری تصور می‌کند: «بگذارید انسان را در حالت اولیه او ببینیم ...». از نظر او این یک شیء نمادین و الگویی برای زیبایی‌شناسی است. با نزدیک شدن به سادگی به این مدل اول، از اشتباهات اساسی اجتناب می‌شود^{۵۱}.

با وجود اینکه نویسندگان بسیاری در جستجوی منشأ معماری به ایدهٔ کلبهٔ اولیه رجوع کرده‌اند، به کلبهٔ اولیه در جایگاه مصداق سرآغاز معماری، بیشتر از یک بنای مادی، در مقام یک مفهوم در معماری توجه شد^{۵۲}. به‌همین دلیل کلبهٔ

مورد علاقهٔ معماران، ارزشش را هم از چیزی که آن را می‌تواند توصیف کند — یا حتی از توصیف آن عاجز می‌ماند — و هم از ارتباط معماری با مبدأ خود به‌دست می‌آورد^{۵۳}.

در «جدول ۱» جمع‌بندی سه نگاه نسبت به سرآغاز و رهاورد آنها در معماری مشاهده می‌شود.

۳.۲. فقدان نمونهٔ واقعی «کلبهٔ اولیه و تجربه‌ناپذیری آن»

اگر کلبهٔ اولیه را تجلی نیروها و علت‌هایی بدانیم که منجر به ساخت اولین سکونتگاه‌ها شده‌اند و چون جایی برای مشاهدهٔ آن نیروهاست، واجد ارزش است، پس باید پیرسیم «کلبهٔ اولیه کجاست؟». این سؤال، در یک نگاه فلسفی، جواب آسانی ندارد. انسان‌شناس، کلود لوی اشتراوس^{۵۴}، دربارهٔ آنچه «اولیه» را از «متمدن» مجزا می‌کند، می‌گوید: «اولیه تنها می‌تواند یک ایدئال تخیلی باشد»^{۵۵}. این موضوع دربارهٔ بناهای اولیه نیز صادق است. هنگامی که ویتروویوس منشأ ساختمان را توصیف می‌کند، با گمانه‌زنی‌های معمول دربارهٔ زندگی در غارها، ساختن پناهگاه‌هایی از برگ، و ... در یک بیان اساطیری

49. Forty, *Primitive, the Word and Concept*, p. 9.

50. Claude Lévi-Strauss

51. Forty, *ibid*.

52. Odgers, et al, *ibid*.

53. Forty, *ibid*.

۵۴. نک:

L. Holm, "The Primitive Hut: Fantasies of Survival in an all-white World".

۵۵. نک:

S. De Jong, *The Idea of the Primitive Hut*.

جدول ۱. وجوه مختلف معنای سرآغاز و رهاورد آن در معماری، تدوین: نگارندگان.

مفهوم طرح شده از سرآغاز	دلیل طرح در فلسفه	اهمیت در معماری	رهاورد مفهوم در معماری		نظریه‌پردازان شاخص
			معنای اساطیری	سرآغاز زمانی اساطیری	
معنای اساطیری	سرآغاز زمانی اساطیری	نقطهٔ آغاز زمانی (یک مفهوم «غیرتاریخی»)	– کارکرد اسطوره‌ای به‌مثابهٔ فهم نگرش‌ها، امیال، و آرزوها که در اسطوره بیان می‌شود.	– منشأ غیرمادی آغاز سکونت – اهمیت معماری برای مردم در پیوند با عوامل غیرمادی	فیلاترتی رایکورت بنوئیت گوتز
معنای تاریخی	سرآغاز زمانی	– نقطهٔ آغاز زمانی (یک مفهوم تاریخی-باستان‌شناسی) – نقطهٔ آغاز زمانی (تصور انسان در حالت اولیه)	– یافتن صورت‌هایی با انطباق حداکثری بر علل پدیدآور معماری – تأثیرپذیری کمتر از عوامل که در طی زمان معماری را از ریشه‌ها و بنیان‌هایش دور کرده است.	– مشاهدهٔ عوامل اصلی پدیدآورندهٔ معماری که در صورت‌های نخستین تجلی یافته‌اند.	ویتروویوس لوژیبه سمبر لوکوروبوزیه
معنای فراتاریخی	علت، نیرو، دلیل به وجود آمدن یک چیز	– اصل و اساس یک موضوع، معیاری برای سنجش آن و راهی برای پیش‌بینی آن	– یافتن علت‌های پدیدآورنده و اصل و اساس معماری، فارغ از صورت‌های زمانی و مکانی	– فهم معنای معماری برای همهٔ مردم – رسیدن به اصل سکونت – اصلاح‌کننده و ویراستار معماری – مشاهدهٔ صورت‌های ملموسی که مفهوم سرآغاز را قابل‌درک کند.	لوبی کان گاستون باشلار رایکورت

کلبه یک شیء کاملاً تاریخی و یک مرحله از پیشرفت دانش ساختمانی بشر است. در نگاه دوم کلبه اولیه در نقش مرجعی برای مقایسه با معماری خودآگاه امروزی محسوب می‌شود. نگاه سوم به اهمیت مردم‌شناسی کلبه، به مثابه یک خانه مسکونی پیشاصنعتی غیرغربی می‌پردازد، این خانه می‌تواند عناصر جهانی معماری را نشان دهد. سرانجام، مفهوم کلبه اولیه، به منزله یک رویداد که به صورت مداوم آغاز می‌شود، اتفاقی که هر بار که ما محلی را برای خودمان بسازیم، دوباره تکرار می‌شود. مفهوم چهارم همان معنایی است که جوزف رایکورت به کلبه بدوی در کتاب *خانه آدم* در بهشت می‌دهد و بناوات گوتز در کتاب خود لامکانی آن را روشن می‌کند، این درک از کلبه اولیه بر همه سکونت انسان تأثیر می‌گذارد.^{۵۶} در نگاه چهارم، کلبه اولیه یک نقطه مرجع تاریخی است. اما یک شیء تاریخی نیست که از طریق باستان‌شناسی و حدس و گمان بدان برسیم. به این ترتیب نمونه زنده‌ای از کلبه اولیه باید بتواند با سرآغاز زمانی معماری ارتباط داشته باشد، جنبه‌های ناخودآگاهی قوی در مقابل معماری خودآگاه امروزی داشته باشد، و آخر اینکه بتواند زنده باشد و خود را باز تولید کند.

ایده‌هایی برای جانشینی کلبه اولیه در نوشته‌ها ی نظریه پردازان وجود دارد. مثلاً لوکوربوزیه در کتاب *یک خانه*، یک *کاخ*^{۵۷} منشأ معماری را، با توجه به سکونت‌های ابتدایی، اماکن عبادت در بیابان و ساختمان‌های بین‌النهرین توصیف می‌کند، اما سپس به به لندن^{۵۸} در جنوب غربی فرانسه می‌رود.

اولیه مصداقی در دسترس و قابل مشاهده و تجربه محسوب نمی‌شود. این دسترس‌ناپذیری در زمانه ما و همچنین در همه دوران‌هایی که سؤال از آن دغدغه اندیشمندان بوده، دو وجه متفاوت دارد و داشته است. در وجه اول با ایجاد یک صورت برای سرآغاز معماری، راه را برای سایر صورت‌ها می‌بندد، اما از آنجاکه مبتنی بر شواهد دقیق باستان‌شناسی نیست، قابلیت اقتناع نظریه‌پردازان را ندارد و گمانه‌زنی در خصوص سرآغاز متوقف نمی‌شود و در وجه دوم با فرض پذیرش صورت کلبه اولیه، به مثابه مصداق سرآغاز، آن را به یک شیء موزه‌ای فرومی‌کاهد و قابلیت تجربه‌پذیری را از آن سلب می‌کند و موجب گسستگی ارتباط مردم و معماران و نظریه‌پردازان از آن می‌شود. بنابراین یافتن نمونه‌هایی که بتوانند سرآغاز معماری را در این زمان نمایندگی کنند و با فراهم آوردن امکان تناظر یک‌به‌یک و رابطه بی‌واسطه، مردم را به لحاظ ادراکی، شناختی، و احساسی تحت تأثیر قرار دهند، ضرورت دارد.

از آنجاکه میل به یافتن سرآغاز معماری با تجسم کلبه اولیه پایان نیافته است، در «جدول ۲» نقاط ضعف و قوت کلبه اولیه در برآوردن وجوه تئوری و عملی مفهوم آرچه بیان شده است. باید به این سؤال پرداخت که چه مصادیقی قابلیت بازنمایی سرآغاز را دارند؟

۴.۲. یافتن مصادیق تجربه‌پذیر برای سرآغاز معماری

ضرورت امکان تجربه‌پذیری سرآغاز معماری، وجود مصداقی از کلبه اولیه را ضروری می‌کند، بنابراین لازم است کلبه اولیه و وجوه متنوع آن دقیق‌تر شناخته شود و امکان‌پذیری مصداقی‌یابی برای آن با توجه به تنوع دیدگاه‌ها نسبت به کلبه اولیه بررسی گردد. انواع برخورد‌ها و تلقی‌های موجود از کلبه اولیه را می‌توان در حیطه چهار نگاه بررسی کرد. آدامز این چهار نگاه را به شکل زیر دسته‌بندی می‌کند: در نگاه اول

56. Tim Adams, "Benoit Goetz: A French Reader of Rykwert's on Adam's House in Paradise", p. 88.
57. Une - Maison Un Palais
58. Landes

جدول ۲. کلبه اولیه، نقاط قوت و ضعف در نقش مصداق برای آرچه معماری، تدوین: نگارندگان.

بررسی کفایت کلبه اولیه	توضیحات	کلبه اولیه به منزله سرآغاز معماری
پاسخ‌گویی اولیه در جنبه تئوری	- درک راحت‌تر یک مفهوم با وجود مدل‌هایی از آن - ضرورت عینی شدن مفهوم سرآغاز	نقاط قوت
عدم پاسخ‌گویی به جنبه ملموس سرآغاز معماری	- تنوع مدل‌ها به دلیل ابتننا بر گمانه‌زنی - قابلیت جانشین شدن با نمونه‌های دیگر - برتری جنبه نمادین کلبه اولیه بر جنبه کاربردی و عملی آن - قانع نشدن نظریه‌پردازان و تلاش آنها برای نشان دادن نمونه‌های نزدیک به دست	نقاط ضعف

است. در واقع نظریه‌پردازان، با کاویدن ایده‌های مختلف دربارهٔ ریشه معماری، نمونه‌هایی از معماری بومی را الگوی خود برای فکر کردن یا مثالی از آنچه به آن فکر کرده‌اند طرح می‌کنند. اما چه چیزی در معماری بومی این قابلیت را به آن می‌دهد که در دوره‌های مختلف تفکر مرتبط با ریشهٔ معماری و مثالی برای آن درک شود؟ معماری بومی نقش منبع الهام را برای نظریه‌پردازان در درک ریشه‌های سکونت انسان داشته است. اما آیا می‌توان آن را مصداق زنده‌ای از سرآغاز معماری قلمداد کرد؟

۲.۵. معماری بومی تلقی مصداقی از کلبهٔ اولیه

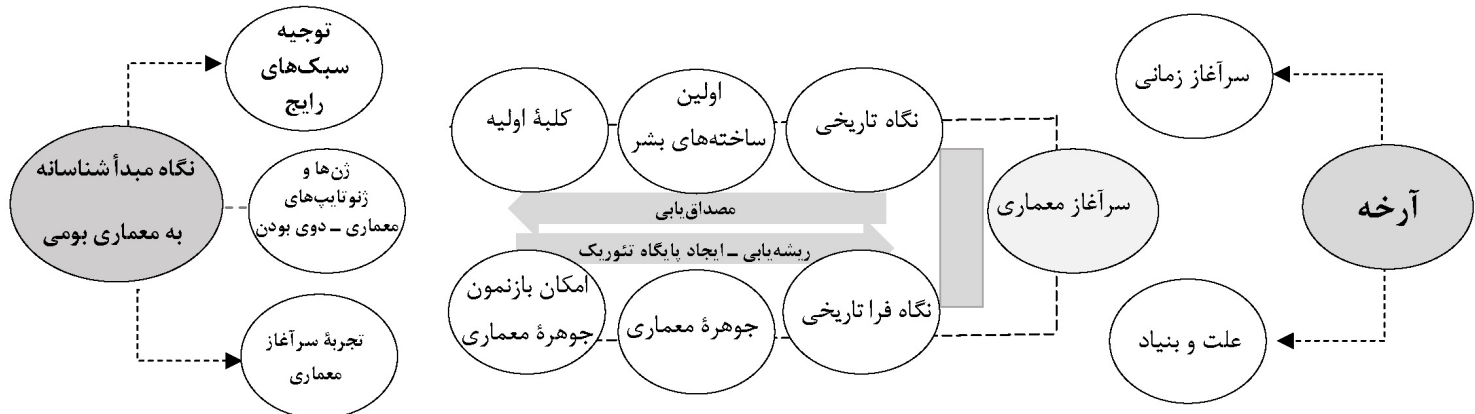
برای پذیرفتن معماری بومی در جایگاه سرآغاز معماری، لازم است قابلیت‌های آن بررسی شود. دو نگاه اصلی به معماری بومی و مفاهیم مرتبط با آن وجود دارد، نگاه نخست آن را امتداد سنت ساخت در یک مکان و بر حسب مواد و مصالح موجود در آن منطقه و رسومات فرهنگی می‌داند که پیوند آن با کلبهٔ اولیه از طریق نزدیکی به شرایط ابتدایی زیست است. از منظر تاریخی، معماری بومی که، به دلیل اقتضات آن، کمتر در معرض تغییر و تحول بسیار واقع شده است، مصداق زنده‌ای از سرآغاز گنگ معماری محسوب می‌شود. نگاه دوم معماری بومی را نوعی از معماری می‌داند که به دلیل بهره‌مندی از امکانات تخصصی کمتر، بازتاب‌دهندهٔ صادقانهٔ نیازهای

به بیان دیگر، او ما را از بناهایی که به صورت ذهنی بازسازی شده‌اند و به مکان خاصی تعلق ندارند، تا نمونه‌هایی که به صورت عینی در جهان وجود دارند و می‌توانید خودتان بروید و ببینید، می‌برد. توصیف لوکوربوزیه در مورد کلبه‌های ماهیگیران در لندن نمونه‌ای از تفسیر ملموس کلبهٔ اولیه است. نتایج این تحقیق شهودی لوکوربوزیه به سرآغاز معماری کیفیتی انسانی می‌بخشد.^{۵۹} سمپر در جستجوی چهار عنصر اصلی معماری با فهم عمل یک انسان اولیه شروع می‌کند و تلاش می‌کند از طرح کردن هر منشأ جغرافیایی برای معماری کلبهٔ اولیه امتناع بورزد، اما پس از آن با تسلیم شدن برای یافتن یک نمونهٔ واقعی، کلبه کارائیب را توصیف می‌کند.^{۶۰} در واقع نظریه‌پردازان، از ویتروویوس گرفته تا لوکوربوزیه، با اصطلاح ایدئال کلبهٔ اولیه کار را شروع کرده‌اند بعد مجبور به یافتن مصداق واقعی شده‌اند. در این دیدگاه‌ها یکی از گزینه‌های مطرح معماری بومی است. ویتروویوس نیز برای توصیف کلبهٔ اولیه از خانه‌ای که در قبایل خارجی دیده بود، الهام گرفت. تفسیر لوژییه از سرآغاز معماری نیز مبتنی بر یک تصویر از یک زندگی چوپانی است که می‌خواهد یک مکان ماندگار با استفاده از غرایزش بسازد. در انتها به نظر می‌رسد کلبهٔ اولیه با ذهنیت بازنمون سرآغاز در نظریه‌ها ابداع شده است. اما الگوی پنهان و آشکار ابداع آنها در ذهن در بسیاری از نظریه‌پردازی‌ها معماری بومی بوده

59. Odgers, et al, ibid.

60. Forty, ibid, p. 7.

ت ۱. زمینه‌های ارتباط معماری بومی با سرآغاز معماری، مأخذ: / طرح و ترسیم: نگارندگان.



چه ارزشمندی‌ای به همراه دارد. تعریف آرچه و توجه به معنای آن در جایگاه علت و نیروی رخ دادن یک پدیده حلقه مفقوده ارتباط معماری بومی با سرآغاز است. در واقع این نگاه به علت و نیرویی که موجب می‌شود یک پدیده به وجود آید توجه می‌کند. آرچه معماری علت و نیرویی است که در هر بار رخداد معماری تکرار می‌شود، اما، به دلیل دشواری فهم آن در زمان معاصر، پژوهشگران مصادیق آن را در ابتدای زمان جستجو کرده‌اند. شناسایی نقش معماری بومی در بازنمون سرآغاز معماری و ارتباط آن با این مفهوم، به فهم جایگاه عمیق معماری بومی در جهان معاصر کمک می‌کند؛ زیرا این معماری برای بقا به فهم و بازشناسایی عمیق ارزش‌هایی متکی است که بتوانند جایگاه آن را تثبیت کنند.

معماری بومی، به دلایل پیش گفته، می‌تواند این مفهوم را در معماری نمایندگی کند و فرصت فراهم‌آوری تجربه زیسته از آرچه را پدید آورد. رجوع به آن، مانند یک عصاره ارزشمند، می‌تواند جنبه‌هایی از سرآغاز را مشاهده و تجربه‌پذیر و تفکربرانگیز کند که مصادیق انتزاعی آن نمی‌توانستند چنین کنند. بدین صورت هر دو عرصه معماری بومی و سرآغاز معماری از این مصادیق‌یابی بهره می‌برند. در «جدول ۳» جنبه‌های مختلف تلقی‌های مبدأشناسانه از معماری بومی نشان داده شده است.

شخصی، خانوادگی، معیشتی، و شرایط اقلیمی است. در این نگاه نیروها و علت‌های اساسی رویداد معماری واضح دیده می‌شود. درحقیقت هر دو دسته در نزدیکی به معماری کلبه اولیه می‌تواند مورد توجه باشد؛ زیرا نزدیکی به حالت معصوم و ابتدایی که پیونددهنده معماری بومی با کلبه اولیه است در آنها وجود دارد.

از طرف دیگر، نگاه چهارم به کلبه بدوی به‌منزله رویدادی که به‌صورت مداوم آغاز می‌شود، کلبه را به مصادیق امروزی آن پیوند می‌زند. در نتیجه کلبه اولیه که جایی در تاریخ قرار دارد می‌تواند توسط معماری بومی به تجربه معاصر انسان گره بخورد. بدین شکل، مفاهیم جاری در آن فرصت درک و انکشاف در بستر نظر و عمل معماری را می‌یابند.

۲.۶. ارتباط با سرآغاز، وجه کمتر دیده‌شده معماری بومی

در این مقاله با کاوش مفهوم سرآغاز و وجوه مختلف آن، عرصه‌ای برای نزدیکی بیشتر معماری بومی و سرآغاز ایجاد می‌شود. در «ت ۱» زمینه‌های مختلف درک معماری بومی مرتبط با کلبه اولیه و سرآغاز معماری نشان داده شده است و اینکه ارتباط سرآغاز معماری با معماری بومی برای هر دو حوزه

جهت‌گیری به سمت آینده	وجوه منفی نگرش	وجوه مثبت نگرش	نگرش‌های ممکن به ارتباط معماری بومی و مبدأ معماری
- عدم تصور آینده‌ای برای معماری بومی	- تعلق معماری بومی به گذشته - گونه‌ای منسوخ - نگاه تاریخیگری (محدود شدن در گذشته)	- کمک به گمانه‌زنی‌های باستان‌شناسی - قطعه‌ای در پازل تکامل معماری	معماری بومی نقطه‌ای تاریخی بازنمایی ژن‌ها و جنوتایپ‌های اولیه معماری
- بدون جهت‌گیری مشخص، وسیله‌ای برای بهره‌برداری - فقدان تضمینی برای توجه به آن در آینده	- عرصه‌ای بی‌شکل و تطبیق‌پذیر برای ارزش‌های روز معماری - قرائت‌های متعدد و متکثر از معماری بومی	- امکان رجوع‌های متعدد و خوانش‌های متنوع از معماری بومی	معماری بومی نقطه‌ای برای تغییر جهت در معماری
- شأن همه‌زمانی. اهمیت در گذشته، حال، و آینده	- تجدید میثاق با اصول اولیه معماری - فهم قاعده اصلی و بنیان‌های معماری	- نگاه غیرتاریخی‌گرایانه - تبدیل گذشته، امروز، و آینده به اکنون همیشگی	معماری بومی عرصه‌ای برای ارتباط با سرآغاز معماری

جدول ۳. جنبه‌های متفاوت ارتباط معماری معماری بومی با سرآغاز، تدوین: نگارندگان.

۳. نتیجه‌گیری

معماری بومی همواره مورد توجه معماران و نظریه‌پردازان از دیدگاه‌های مختلف بوده است. در این مقاله دیدگاهی عرضه شده است که به معماری بومی از جنبه ارتباط با مبدأ معماری توجه می‌کند. از این منظر، عینیت معماری بومی ارزشمند است؛ چون از طریق آن کالبد و جوه الگویی و مدلی معماری بومی روشن می‌شود. اما یکی از دلایل مهم ارزشمندی معماری بومی که به آن اصالت الگویی و مدلی می‌بخشد، ارتباط معماری بومی با سرآغاز معماری است. این ارتباط با سرآغاز، که برای معماران، محققان، و نظریه‌پردازان اهمیت زیادی دارد، به دلیل واجد عینیت بودن این معماری و همچنین تعلقش به میراث فرهنگی، به لحاظ کالبدی و قابلیت زندگی تداوم دارد و نیز می‌تواند شرایط خاص و نادر ارتباط معماری با سرآغاز خود را به شکل عملی محقق کند.

معماری بومی عرصه‌ای برای تجربه آرخته معماری و توجه به آن به‌مثابه ظهور آغاز معماری است. گونه‌های متنوع معماری بومی ظهور آرخته معماری در سرزمین‌ها و زمان‌های متفاوت است. این نگاه به معماری بومی می‌تواند به حفظ و تداوم معماری بومی و درک آن به‌منزله منبعی برای کشف و فهم ارزش‌های دیگر در معماری یاری رساند و بدین منوال به لحاظ تئوری و عملی زمینه‌ساز پژوهش‌های جدید باشد:

در حوزه نظری:

- نگاه به معماری بومی، به‌منزله محمل بروز سرآغاز معماری،

مسیرهای جدیدی برای تفکر درباره حیطه‌های متنوعی، که به معماری بومی نظر می‌شود، ایجاد می‌کند. شأن آغازین برای معماری بومی بازخوانی این معماری را خارج از پیش‌فرض‌های نظری مرسوم قرار می‌دهد و در حیطه مسائلی نظیر مصرف انرژی، استفاده از مصالح بازگشت‌پذیر به طبیعت و ... عمق نگاه بیشتری ایجاد می‌کند.

- نگاه آغازین به معماری بومی بر مطالعاتی که معماری بومی را عرصه نمود معماری پایدار می‌بینند، چه تأثیری می‌گذارد؟
در حوزه کاربردی:

- فهم دلایل، ریشه‌ها، و منشأ سکونت از طریق معماری بومی حاوی تجربه‌های عملی گران‌بهایی برای دانشجویان معماری و عرصه‌ای برای تفکر و پژوهش در باب معماری محسوب می‌شود. سرآغاز قابل‌زیستن و فهمیدن یک فرصت زنده برای آموزش معماری است. ارتباط معماری بومی و سرآغاز چه تأثیری می‌تواند بر آموزش معماری داشته باشد؟

- علاقه‌گریزی انسان به مصادیق سرآغاز معماری (معماری بومی) امروزه این امکان را در معرض توریستی شدن قرار داده است. فهم این ارتباط می‌تواند ضمن عمق بخشیدن به این علاقه، ظرفیت واقعی و ارزش این معماری را روشن کند و جلوی بهره‌برداری‌های سودجویانه را بگیرد. ارتباط متقابل معماری بومی و سرآغاز معماری ارزش معماری بومی را به لحاظ قسمتی از میراث فرهنگی بشر و به‌مثابه عرصه‌ای برای تجربیات انسانی چگونه مورد تغییر قرار می‌دهد؟

منابع و مأخذ

- آگامین، جورجو. کودکی و تاریخ درباره ویرانی تجربه. ترجمه پویا ایمانی، پویا. تهران: نشر مرکز، ۱۳۹۷.
- آپاگونولو، آدریانو. معماری بومی. ترجمه علیمحمد سادات افسری. تهران: نشر فضا، ۱۳۸۴.

پورحسن، قاسم و مهرداد احمدی. «تفسیر هایدگر از آرخته، بهره‌مندی و زمان نزد آناکسیمندروس»، در تاریخ فلسفه، سال هشتم، ش ۴ (بهار ۱۳۹۷)، ص ۸۱-۱۰۰.

تومبلی، رابرت. لویی کان متون اصلی. ترجمه محمدرضا رحیم‌زاده و

غریب‌پور، افرا. «مفهوم "عملکرد" در اندیشه لویی کان». در صفه، ش ۵۱ (پاییز و زمستان ۱۳۸۹)، ص ۳۱-۴۰.

غروی خوانساری، مریم. «جستاری در چگونگی آموزش تاریخ معماری از رهگذر توجه به "تفکر تاریخی"»، در نشریه هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی، دوره ۴، ش ۳ (۱۳۹۸)، ص ۱۹-۳۰.

معماریان، غلامحسین. سیری در مبانی نظری معماری. تهران: سروش دانش، ۱۳۸۴.

ناری قمی، مسعود و سجاد دامیار. «رویکردها به معماری بومی در نظریه‌پردازی مدرن معماری». در معماری اقلیم گرم و خشک، ش ۳ (پاییز و زمستان ۱۳۹۱)، ص ۷۹-۹۵.

Adams, Tim. "Benoît Goetz: A French reader of Rykwert's on Adam's House in Paradise". In *Interstices: Journal of Architecture and Related Arts*, 2009. DOI: <https://doi.org/10.24135/ijara.v0i0.365>

Almusaed, Amjad. "Vernacular Architecture and Human Experiences". In *Biophilic and Bioclimatic Architecture*, Springer-Verlag London Limited 2011, pp. 229-232.

Bachelard, Gaston. *The Poetics of Space*. trans. Maria Jolas, (New York, 1964), 1996.

Bleijenberg, Lars. *Origin Myths in Renaissance Vitruvius Editions*. <https://originsofarchitecture.wordpress.com/2012/12/28/origin-myths-in-renaissance-vitruvius-editions/> reviewed on 20/02/2021

Cline, A. *A Hut of One's Own: Life Outside the Circle of Architecture*. Mit Press, 1997.

Brown, Robert and Daniel Maudlin. "Concepts of Vernacular Architecture". In *The SAGE Handbook of Architectural Theory*, (2012), pp. 340-368.

De Jong, S. *The Idea of the Primitive Hut. The Legitimacy of Architecture (1750-1850)*. Universiteit Leiden, 2016.

Forty, A. *Primitive, the Word and Concept*. Routledge, 2006.

همکاران. تهران: نشر علمی، ۱۳۹۷.

جمالی، عباس و حمیدرضا محبوبی آرانی. «توانش به‌مثابه روش؛ تأملی در باب روش‌شناسی فلسفی جورجو آگامبن». در *دوفصلنامه فلسفی شناخت*، ش ۷۶ (بهار و تابستان ۱۳۹۶)، ص ۳۹-۵۹.

خانمحمّدی، علی‌اکبر. «فتوت‌نامه بنّایان». در صفه، دوره ۲، ش ۱ (۷۰۱۳)، ص ۱۰-۱۵.

صادق‌بی، ناهید. «تاریخچه و علل گرایش به معماری بومی در غرب کشورهاى اسلامی و ایران». در نشریه شهر و معماری بومی، ش ۲ (بهار ۱۳۹۱)، ص ۷-۲۴.

Germann, G. "Review of *On Adam's House in Paradise; The Idea of the Primitive Hut in Architectural History*, by J. Rykwert". In *Journal of the Society of Architectural Historians*, 33(3) (1974), pp. 244-245. <https://doi.org/10.2307/988860>

Harries, Karsten. *Tales of the Origin of Building, Philosophy of Architecture*, Yale University, 2016.

Holm, L. "The Primitive Hut: Fantasies of Survival in an all-white World". In *Primitive: Original Matters in Architecture*, Routledge, 2006, pp. p-43.

Jung, CG. *Memories, Dreams, Reflections*, Ed. Aniela Jaffe. New York, NY, USA: Vintage, 1989.

KÜRELI, E. "Laugier vs Durand: Revisiting Primitive Hut in the Classical Architectural Discourse". In *Yedi*, 15 (2016), pp. 111-120.

Odgers, Jo. & F. Samuel & A. Sharr (Eds.). *Primitive: Original Matters in Architecture*. Routledge, 2006.

Rykwert, J. *On Adam's House in Paradise: The Idea of the primitive Hut in Architectural History*. Cambridge, MA: MIT Press, 1981. book 2nd ed, reviewed on <https://www.hermitary.com/bookreviews/rykwert.html>

Tavernor, M.R. *Body and Building: Essays on the Changing Relation of Body and Architecture*. Mit Press, 2002.